

حلقه‌های میانی الگوی عملیاتی دولت سازی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

مهدی بهرامی *

چکیده

هدف اصلی این پژوهش استخراج مدل و الگوی تحقق دولت مطلوب اسلامی از منظر امام خامنه‌ای در بستر فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی و مراحل پنج گانه با تکیه بر سند گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد. بر این اساس در تجزیه و تحلیل موضوع از روش‌شناسی عقلی به نحو توصیفی-تحلیلی بهره برده و با روش اسنادی، داده‌های مورد نظر را از بیانات امام خامنه‌ای استخراج کرده‌ایم. در این راستا نتایج تحقیق حاکی از این است که لازمه تحقق دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای به طور کلی متوقف بر دو محور تکمیل ساختار و تربیت کارگزار می‌باشد. از دو محور ذکر شده، ایشان اولویت را با تربیت و تعالی کارگزاران نظام می‌دانند و موانع تحقق این امر مهم را نیز غالباً از این جهت می‌دانند. از تحلیل عملیاتی گام دوم، اهمیت مردم پایگی حرکت انقلاب اسلامی برای تحقق دولت مطلوب اسلامی مشخص می‌شود. در این حرکت، جوانان به عنوان موتور پیشران جهت نقش آفرینی برای حضور مردم در عرصه دولت سازی معرفی می‌شوند. همچنین الگوی نقش آفرینی جوانان در قالب حلقه‌های میانی موثر برای این موضوع از ابداعات امام خامنه‌ای می‌باشد که نتیجه آن اولاً بستر سازی برای حضور جوانان متعهد انقلابی و کارآمد در بدنه مدیریتی کشور و ثانیاً ایجاد یک حرکت عمومی

* دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
www.iranicaonline.com

مردمی در کشور برای تحقق دولت اسلامی می‌باشد. البته حرکت عمومی به سمت اهداف وجود دارد ولی به علت سرعت پایین و عدم نظم آن، نتیجه محسوسی در پی نداشته است. نتیجه اینکه دولت سازی اسلامی به عنوان سومین مرحله فرآیند به واسطه ایجاد تحول ایمانی، گفتمانی و تشکیلاتی در بستر ایجاد حرکت عمومی تشکیل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: دولت، دولت اسلامی، بیانیه گام دوم، اهداف انقلاب اسلامی، حرکت عمومی.



مقدمه

در این پژوهش، راهکار حرکت‌زایی در مسیر گام دوم دولت‌سازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به عنوان تحول‌تشیکیاتی به صورت کلان‌مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسئله اصلی بیانیه گام دوم که ابعاد هفتگانه حرکت دولت اسلامی را توضیح داده و اهمیت ایجاد حرکت عمومی شامل آحاد مردم و دولت جهت نیل به اهداف، جایگاه پیشرانی جوانان مومن انقلابی در ایجاد حرکت عمومی و ضرورت خودسازی جوانان و فتح دولت به عنوان ابزار حرکت، مورد تحلیل قرار گرفته است. در انتها نیز به برخی از راهکارها جهت حرکت‌زایی جوانان مومن انقلابی اشاره شده است.

بخش اول: تحلیل عملیاتی بیانیه گام دوم

نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌ی عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال‌دموکراسی غرب جاذبه دارد - می‌بینید در مهد لیبرال‌دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف می‌کنند به شکست - نه ناسیونالیست‌های سکولار جاذبه‌ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب

الهی و وحی الهی و اسلام عزیز می تواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنائی است.

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری‌های وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و بین‌المللی که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری... این پیچ تاریخی‌ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره‌ی چنین دیکتاتوری به آزادی ملت‌ها و حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید.^۱

دنیا در حال یک پیچ تاریخی است. ملت عزیز ما، ملت‌های مسلمان، امت عظیم اسلامی، می توانند نقش ایفاء کنند. اینجاست که اسلام، تعالیم اسلام، روش اسلام به کار نیاز مردم دنیا می‌آید؛ و اینجاست که نظام جمهوری اسلامی می تواند الگو بودن خودش را برای همه‌ی مردم دنیا اثبات کند.^۲

چشم‌انداز حرکت ملت ایران با این زمینه‌ای که مشاهده می‌کنید، چشم‌انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده ما، هم همت و انگیزه و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع، یک ثروت عظیم ملی برای ما است. همه این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما ان‌شاءالله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان، بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی ان‌شاءالله ارائه بدهیم.^۳

انقلاب اسلامی در ایران... عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آورد. قدرت‌های مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.

۳. در دیدار صدها تن از نخبگان و فرهیختگان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۷.

بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است.

وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته تاریخ بشر هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.

چند خصوصیت در این دوران هست که از آن تفکیک‌ناپذیر است: یکی از این خصوصیت‌ها، گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی است. بعد از آن‌که سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و معنویت را بکلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزش‌های الهی تربیت نماید، این دوران جدید، درست به‌عکس آن سیاست‌ها عمل کرده است.

خصوصیت دیگر این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم است. در دوران جدیدی که به‌وسیله امام ما آغاز شده است و دایره‌ی آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آنها هستند که جریان‌ها را هدایت می‌کنند. از جمله خصوصیات دیگر، اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرت‌های بزرگ است؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، به عنوان اصل «نه شرقی و نه غربی» شناخته شد.

این دوران جدید که امام ما آن را با قیام و ایستادگی و اتکال به خدا و تکریم و تعظیم نسبت به ارزش‌های معنوی و با اعتمادش به آحاد مردم آغاز کرد، ان‌شاءالله ملت‌ها را از شر سلطه‌های جهانی نجات خواهد داد و دوران زوال قدرت‌های بزرگ مادی جهانی را نزدیک خواهد کرد. این، از برکات آن بزرگوار است. ملت ما، پشت

سر رهبر با عظمت و استثنایی خود، اولین ملتی بود که قدم در این دوران جدید گذاشت و پایه‌های آن را مستحکم کرد و با مقاومت خود، برای ملت‌های دنیا، شاهی بر صدق این ادعاها شد.^۱

نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر (بازسازی تمدن نوین اسلامی) در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیده معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام، امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد.^۲

انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه این موانعی را که من گفتم و بسیاری‌اش را هم نگفتم، از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه‌ی دنیا برقرار کند.^۳

بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدن‌های بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بیماید و به آن نقطه برسد.^۴

۱. بیانات در مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۶۹/۳/۱۴.

۲. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۸۷/۰۹/۱۷.

۳. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۴. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است.^۱ ما می‌خواهیم آن نظام، آن تشکیلات و آن حکومتی را که بتوان هدف‌ها [ی اسلامی] را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد؛ یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ زنجیره مستمری که به هم مرتبط است.^۲

ما اول راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی‌اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هرکدام مترتب بر همدیگر است؛ این‌ها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم.^۳

نظام اسلامی تجسم انقلاب است.^۴ حفظ موجودیت انقلاب در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است.^۵ بارها عرض کرده‌ایم که تجسم انقلاب در «جمهوری اسلامی» و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» است.^۶ انقلاب، از نظام نظام جمهوری اسلامی جدا نیست.^۷ انقلاب و جمهوری اسلامی، تعرض عمومی به فرهنگ غیر اسلامی و ضداسلامی است.^۸ نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند.^۹ جمهوری اسلامی از انقلاب اسلامی برخاسته است،^{۱۰} مولود انقلاب است.^{۱۱}

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجلس عالی علمای و اندوختگان

۱. بیانات در دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.
۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴/۰۷/۱۳۹۰.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی ۲۵/۰۷/۱۳۸۵.
۴. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر ۱۴/۰۳/۱۳۷۴.
۵. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۰۶/۰۴/۱۳۶۸.
۶. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۵.
۷. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۰۶/۰۴/۱۳۶۸.
۸. بیانات در دیدار با مسئولان جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر ۱۰/۰۴/۱۳۷۰.
۹. بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۰۶/۰۴/۱۳۶۸.
۱۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۰۲/۰۷/۱۳۸۸.
۱۱. بیانات در دیدار با جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۲۸/۱۱/۱۳۸۷.

حالا یک حقیقت بسیار واضحی وجود دارد که به خاطر کثرت وضوح، اغلب مخفی هم می ماند. این حقیقت را هم بگوئیم؛ مطرح کنیم. آن حقیقت، خود اصل تحقق جمهوری اسلامی است؛ این تجسد قرآن است. نظام جمهوری اسلامی، نظام دین مدار، یکی از بزرگترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب برای ما تأمین کرد. از این غفلت نکنیم. بله در داخل این چهارچوب بزرگ، جدول های زیادی است که باید پر بشود، کارهای زیادی است که باید انجام بگیرد، اما کار اصلی، کار اساسی، این بود که این نظام به وجود بیاید. ایجاد یک نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویتشان، اهدافشان، خصوصیاتشان، عملکردشان، ارتباطشان با مردم، عملکردشان برای مردم بر اساس دین باشد- بر اساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد- این همان بزرگترین قلم از اقلام عمل به قرآن است؛ یعنی همان کاری که پیغمبر اکرم در آمدن به مدینه و هجرت به مدینه انجام دادند. تا وقتی جامعه ای نباشد، نظامی نباشد، تمرکز اقتداری نباشد که بتواند بر روی همه ی فعالیت های اجتماعی سایه بيفکند، کارها ضمانتی ندارد. قبل از انقلاب، خیرخواهان و ناصحان معدودی بودند؛ دلشان می سوخت، حرص می خوردند، مردم را هی نصیحت می کردند- حالا در وسائل ارتباط جمعی عمومی یا محدودتر- موعظه می کردند؛ موعظه هم بی تأثیر نیست، در دل اثر می کند؛ اما قابل تحقق عملی نیست؛ چرا؟ چون نظام، نظام غلطی است؛ چون جهت گیری جامعه، جهت گیری ضد عدالت، ضد انصاف، ضد مروت، ضد اخلاق است. حالا در یک چنین جهت گیری ای، شما هی اصرار کنید کسی را به اینکه عدالت کن، ترحم کن، انصاف بورز؛ مگر می شود؟ جهت گیری مهم است. اصل جهت گیری با تشکیل یک نظام است؛ نظام دارای جهت گیری درست و دین. این کار را انقلاب انجام داد و این نظام را به وجود آورد. من این را می خواهم بگویم که

قرآن‌پژوهان ما، جوانان پرشور و علاقه‌مند ما این حقیقت را از یاد نبرند؛ این حقیقتِ خیلی واضح و روشنی است، اما غالباً مغفولٌ عنه! این خیلی حقیقت مهمی است.^۱

این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد، یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را- که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند- می‌طلبد؛ این می‌شود دولت اسلامی.^۲ این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد، یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را- که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند- می‌طلبد؛ این می‌شود دولت اسلامی.^۳

اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزّت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی.^۴

اصلاح توده‌ی مردم، به اصلاح زبندگان و نخبگان هر کشور و جامعه بستگی دارد؛ پیغمبر فرمود: «لا تصلح عوام هذه الأمة الا بخواصّها»؛ پرسیدند: «و ما خواصّ امتک»؛ زبندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: «خواصّ امتی العلماء و الأمراء»؛ دانشمندان، روشن‌فکران، آگاهان، امرا و زمامداران، خواص و نخبگان امتند.

در روایت قابل توجه دیگری فرمودند: «لاعدبّن کلّ رعية فی الإسلام اطاعت اماما جائرا لیس من الله عزّ و جلّ و ان كانت الرعية فی اعمالها برّة تقیة و لأعفونّ عن کلّ

۱. بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۸/۷/۲۸.

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۳. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۵. علی مشکینی، تحریر المواعظ العددیه، ص ۳۳۶.

رعية في الإسلام اطاعت اماما هاديا من الله عزّ وجل وان كانت الرعية في اعمالها ظالمة مسيئة^۱». حاصل، اینکه اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه‌ی مردم، نمی‌تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه‌ی مدیریت و دستگاه اداره‌کننده در یک جامعه، این قدر فوق‌العاده است.^۲

ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه‌ی کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آن‌ها هستیم - به نقطه‌ی برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم... اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد... اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم^۳»؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد.^۴

امروز، تکلیف بزرگی بر گردن ماست. امروز، موظفیم این تکلیف بزرگ الهی - یعنی امید دادن به مردم عالم - را انجام دهیم: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۵. شما، آن نمونه‌های شاهدهی هستید که ملت‌های دیگر و مردم دنیا، به شما نگاه می‌کنند.

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۷۶

۲. بیانات در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۴/۲۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

۴. بیانات دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۵. بقره: ۱۴۳.

تکلیف بزرگی را که امروز به گردن ماست، باید درست بشناسیم. کار عمده‌ی ما این است که این نقطه‌ی امید را در دل ملت‌های مسلمان حفظ کنیم. همچنان که در طول این ده، یازده سال، ملت ایران توانسته است همیشه در جایگاهی قرار داشته باشد که چشم و دل ملت‌ها به او روشن و امیدوار باشد، از حالا به بعد هم باید روش و کیفیت عمل و حرف‌ها و اظهارات ما به نحوی باشد که این امید در دل‌های مستضعفان و بیم‌در دل‌های دشمنان باقی بماند.^۱

اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است. پس تشکیل دولت اسلامی، مرحله‌ی سوم است. بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالّو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ^۲». اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم‌به‌قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود پردازیم.^۳

امروز هم ملت ایران آرمان‌هایی دارد، داعیه‌هایی دارد، حرف‌های بزرگی دارد؛ هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت. در مقابل ملت ایران هم گرگ‌های گرسنه، سبع‌های افسارگسیخته، این کمپانی‌های زر و زور، این مجموعه‌های دنیاطلبِ دنیاپرست، صف کشیده‌اند. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوان‌های خوش‌روحيه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۸/۰۷/۲۸.

۲. بقره: ۱۴۳.

۳. بیانات در جمع کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۹/۲۱.

کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولیّ امر و ولیّ عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.^۱

بخش دوم: ابعاد کلان چشم انداز پیش رو و راهبردهای تحقق آن

بیانیه گام دوم، به مثابه سندی است که نقشه‌راه حرکت چله دوم انقلاب را روشن می‌نماید. این حرکت که گام دوم خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، دارای ابعاد و اضلاعی است که در واقع زوایای حیات طیبه اسلامی تجربه شده در این جامعه و تمدن را روشن می‌کند. در واقع ساحت‌های دانش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت، استقلال و آزادی، عزت ملی حفظ مرزبندی با دشمن در روابط خارجی و سبک زندگی اسلامی، زوایای مختلف الگوی جامعه و تمدن نمونه اسلامی است؛ به بیان دیگر، همچنان که از نام بیانیه گام دوم می‌توان کمک گرفت و خود رهبری نیز در تحلیل از بیانیه گام دوم اشاره نمودند، اساساً بیانیه طرحی ناظر به افق آینده انقلاب می‌باشد. این طرح در قالب توصیه‌ها، تعاریف صحیح از ابعاد حیات طیبه تحت عنوان جامعه و تمدن اسلامی را بیان کرده و راهبردهای اصلی

تحقق این حیات طیبه را در قالب راهکارهایی که بایستی با مرکزیت دولت اسلامی پیگیری شود، بدست می‌دهد. لذا فتح دولت با الگوی دولت اسلامی و کارگزار اسلامی مهمترین ابزار و کلید اصلی تحقق توصیه هاست. دولت است که با گستره قدرت مشروع خود، توان راهبری اصلاحات در ابعاد هفتگانه کلان‌توصیه‌ها را داراست.

بخش سوم: اولویت دولت‌سازی جهت تحقق کلان‌توصیه‌ها

اگر توانستیم مرحله تشکیل جامعه اسلامی را به سلامت طی کنیم - که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست - آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام^۱ و تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است.^۲

ما آمدمیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌تواند الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدمیم دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیبه بکنیم^۳ [و] در درجه بعد، همه جوامع بشری را.^۴

وقتی جامعه اسلامی به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد.^۵ اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم.^۶ از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی

۱. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. بیانات در دیدار مسؤولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۳. بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسؤولان نظام ۱۳۸۷/۶/۱۹.

۴. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

۵. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۶. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۱ وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فراخواهد گرفت.^۲

نگاه فرآیندی به حرکت انقلاب، توجه راهبردی به مراحل این حرکت و اهمیت مرحله کنونی یعنی دولت‌سازی اسلامی در بیانات رهبری به صورت متواتر تکرار شده است. «یکی از عواملی که وجود دارد، حکومت است. حکومت جزو عوامل پیشرفت به سمت این آرزوها است؛ یعنی حکومت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی یکی از عوامل است. اگر چنانچه این اختلال پیدا نکند، مطمئناً در راه مشکل ایجاد خواهد کرد. باید کاری کنید که حرکت حکومت کشور و دولت کشور - دولت که می‌گویم یعنی مجموعه مدیریت عمومی کشور- و مسئولین کشور، حرکت انقلابی باشد تا اینکه این آرمان‌ها پیشرفت کند».^۳

توجه به دولت‌سازی در ارائه‌ی تصویر کلان از ابعاد کشورسازی و راهبردهای محوری آن‌ها ذیل قسمت هفت توصیه کلان ایشان نیز مشهود می‌باشد. اساساً رهبری در ارائه راهکارهای کلان در ابعاد مختلف حیات اجتماعی به ابزار دولت توجه اساسی داشته و راهکارهای ارائه شده در هر بخش را با توجه به درگاه دولت اسلامی مطرح نمودند. در ادامه به برخی از این گزاره‌ها پرداخته می‌شود:

معنویت و اخلاق

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۰۷/۰۳/۱۳۹۷.

فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.

اقتصاد

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

عدالت و مبارزه با فساد

همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطانِ حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است.

در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌داره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.

استقلال و آزادی

این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند... همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

بخش چهارم: حرکت عمومی، لازمه تحقق چشم‌انداز گام دوم

در اندیشه سیاسی ایشان و مبتنی بر نظریه مردم‌سالاری دینی در اسلام، ایجاد حرکت عمومی و تکیه بر مردم جهت نیل به اهداف کلان انقلاب اسلامی، از ضروریات بوده که این حرکت عمومی بایستی معقول و منضبط باشد:

ما یک حرکت عمومی نیاز داریم به سمت آن چشم‌انداز؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکتند.

ببینید، درست توجه کنید! یک حرکت عمومی معقول و منضبط - منضبط! وقتی می‌گوییم منضبط، یعنی حرکت غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آن‌ها ارزشی ندارد.

اهمیت مردم‌پایگی در حرکت

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملت‌ها، اهمیت رأی ملت‌ها و تأثیر جهاد و حضور آن‌ها تأکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست‌ناپذیری اسلام، شکست‌ناپذیری مردم؛ و اساساً مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد.

مردم‌پایگی مرحله انقلاب و مرحله نظام

«در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند؛ همه‌ی مردم، همه‌ی قشرهای مردم، از شهری و روستائی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیلکرده و بی سواد، همه و همه در کنار هم حضور پیدا کردند. منتها نکته‌ی اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد؛ و این از حکمت امام بزرگوار ما و ژرف‌نگری آن مرد حکیم و معنوی و الهی بود. همان روزها بعضی‌ها بودند که می‌گفتند خیلی خوب، انقلاب پیروز شد، مردم برگردند بروند خانه‌هاشان. امام محکم ایستاد و کارها را به مردم سپرد؛ یعنی پنجاه روز بعد از پیروزی انقلاب، نظام سیاسی کشور به وسیله‌ی فرماندوم مردم تعیین شد.»^۱

ضرورت مردم‌پایگی مرحله دولت‌سازی

یک نکته‌ی مهم، انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور است. مردم‌بایستی با دستگاه‌های مدیریتی کشور - چه دستگاه قضائی، چه قوه‌ی مجریه، چه بقیه‌ی دستگاه‌ها - ارتباط پیدا کنند؛ البته بخش مهمی از این اعتمادسازی به عهده‌ی خود دستگاه‌ها است؛ یعنی خود دولت، خود قوه‌ی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عملشان جوری باشد که جلب اعتماد بکند؛ این بخش به عهده‌ی آنها است، اما بخشی هم به عهده‌ی من و شما است، بخشی هم به عهده‌ی کسانی است که مخاطب دارند؛ کسانی که بلندگو دارند که بایستی در این بلندگوهای رسمی و غیررسمی، حرف‌هایی زده بشود. هیچ دولتی هم بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به کار نیست، نه دولت ما و نه هیچ دولتی در دنیا. ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی

و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرائی کشور - چه در بخش قضائی، چه در بخش قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخش‌ها [مانند] نیروهای مسلح - سلب بشود.^۱

ویژگی‌های حرکت عمومی صحیح و عقلانی

یک حرکت عمومی صحیح و منتظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد. به تعبیری برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است:

شناخت صحنه

اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لاقبل تحریک‌کننده این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند.

امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، می‌خواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خوب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصت‌هایش کدام‌ها هستند، تهدیدهایش کدام‌ها هستند، دشمن‌هایش چه کسانی هستند، دوست‌هایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

جهت‌گیری صحیح و مشخص

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی

می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

وجود عامل امیدبخش

عنصر سومی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه روشن، این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیت‌های ملی‌ای که ما این‌ها را شناخته‌ایم.

یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ما است. بنده به طور قاطع می‌گویم - البته یک عده‌ای فوراً بنا می‌کنند توجیه و تأویل و انکار و مانند این‌ها، لکن بنده قاطعاً این را می‌گویم، می‌توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: *عَلَى شَفَا جُرْفِ هَارٍ فَانْهَارَ* به؛ *فِي نَارِ جَهَنَّمَ*؛ لب‌گودال است؛ این جوری است. البته حوادث و تحولات جوامع بتدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود.

ارائه راهکار عملی

عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است.

تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟

این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم.

ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از این قبیل اند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیل اند.

هر که هم در این زمینه‌ها فعّال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعّالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد.

البته همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی که عرض کردم [یعنی] در جهت رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت - که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند - باید به آن جهت‌گیری توجّه داشته باشند.

بخش پنجم: نقش آفرینان و مؤثران در ایجاد حرکت عمومی

نقش آفرینان اصلی در این عرصه (خط تمدنی نظام اسلامی) چه کسانی هستند؟... برای ایجاد یک تمدّن اسلامی، مانند هر تمدّن دیگر، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان... حال در آنجایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند.

بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند. البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست، از راه امر به معروف و نهی از منکر، از راه آماده سازی خود برای این که در یک جایگاه نقش آفرین قرار گیرند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند؛ سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین طور؛ محیط های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان شناس ممکن است بجهد، ظلماتی را از دلی یا دل هایی بزدايد؛ چقدر هدایت ها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است.

نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی کنیم؛ اما جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه ی جایگاه های دیگر برجسته تر می بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه ی دینی و ایمان دینی برای انسان ها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد. البته عالم دین با آن شرایطی که نیاز به آن شرایط هست؛ ای بسا عالم دین نتواند این نقش را ایفا کند؛ او هم اگر این شرایط را نداشته باشد، نخواهد توانست؛ که حالا من بعد در دنباله ی عرایض مطالبی در این زمینه هم عرض خواهم کرد. البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست، از راه امر به معروف و نهی از منکر، از راه آماده سازی خود برای این که در یک جایگاه نقش آفرین قرار گیرند. وقتی نگاه می کنیم، حوزه ی روحانیت و علمای دین، اگر با آن تربیت درست و در آن مدارج لازم پرورش پیدا کنند، نقششان نقش یگانه است.^۱

۱ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند. البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینی دینی هست، از راه امر به معروف و نهی از منکر، از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در یک جایگاه نقش‌آفرین قرار گیرند... مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند؛ سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور؛ محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور.^۱

انقلابی حرکت کردن الزاماتی دارد... یک عواملی وجود دارد که به ما کمک می‌کند، یک موانعی هم وجود دارد که باید به آن موانع توجه داشت. یکی از عواملی که وجود دارد، حکومت است... قشرهای اثرگذار؛ قشرهای اثرگذار - قشرهای علمی، قشرهای اجتماعی اعم از دانشگاهی، اعم از حوزه‌ها، دانشمندان، هنرمندان که اینها قشرهای اثرگذارند - بایستی در این زمینه -ها فعال باشند.^۲

تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم؛ تشخیص خواص در وقت لازم؛ گذشتِ خواص از دنیا در لحظه‌ی لازم؛ اقدام خواص برای خدا در لحظه‌ی لازم. این‌هاست که تاریخ و ارزش‌ها را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند! در لحظه‌ی لازم، باید حرکت لازم را انجام داد. اگر تأمل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد... اگر خواص امری را که تشخیص دادند به موقع و بدون فوت وقت عمل کنند، تاریخ نجات پیدا می‌کند و دیگر حسین بن علی‌ها به کربلاها کشانده نمی‌شوند. اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند، فهمیدند اما باهم اختلاف کردند؛ کربلاها در تاریخ تکرار خواهد شد... خواص! خواص! طبقه‌ی خواص... عزیزان من! ببینید شما جزو کدام دسته‌اید؟ اگر جزو خواصید - که البته هستید - پس حواستان جمع باشد. عرض ما

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان ۳/۳/۱۳۹۷.

فقط این است.^۱ ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود. این دومی متأسفانه در طول هفتاد هشتاد سال اخیر در برخی از کشورها، از جمله در کشور خود ما اتفاق افتاد.^۲

عظمت نقش نیروی جوان متعهد

در نقشه حرکتی طرح شده توسط رهبری، جوان مومن انقلابی به مثابه لوکوموتیو حرکت عمومی بایستی عمل نماید که با حرکت آن است که نخبگان و کارگزاران و سپس عموم مردم به حرکت درآمده و کشور به پیش می‌رود:

راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود.

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهایها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در

۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ ۱۳۷۵/۳/۲۰.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

اینجانب به جوانان عزیز که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آن‌ها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد... این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم‌امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.

اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است، ناکام سازید.

جوان‌های ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مرزده است، این بشارت است. اهل فکر و اهل تأمل، بر روی این پدیده‌ی شگفت‌آور تکیه کنند که در نظام جمهوری اسلامی، با وجود همه‌ی کج‌تابی‌هایی که از گوشه و کنار دیده شده، امروز این انگیزه، این ایستادگی، این آگاهی، این عزم راسخ، بین جوان‌های ما، از دوران دفاع مقدس اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

چطور می‌شود که رویش‌ها در یک ملت از ریزش‌ها بیشتر است؟ بله ریزش‌هایی وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمی‌گردند، کسانی هستند که احساس خستگی می‌کنند، کسانی هستند که به گذشته‌ی خودشان شک می‌کنند، کسانی هستند که به لبخند دشمنان و فریب دغل‌کاران از راه در می‌روند؛ اما در مقابل، مردان و زنان شجاع آگاه آشنا با حقایق زمانه و مسلط بر بسیاری از مسائل گوناگون سیاسی - که آن روز مطرح نبود و وجود نداشت - در جامعه‌ی ما حضور دارند؛ اینها رویش‌های جدیدند. امروز وضع ما این جور است... و این مربوط به اکثریت جوان این کشور است؛ و این از برکت خون شهداست؛ و این به برکت فداکاری عزیزان شما و جوان‌های شماست^۱.

مسئله‌ی رویش‌های نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است. جمهوری اسلامی در طول این ۳۵ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز بدهد. افرادی نگران ریزش‌ها بودند؛ گفته شد رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه خواهند کرد و همین شد. آنچه مهم است این است که نگاه نسل نو و همه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمان‌های بلند می‌خواهند، باید به آینده‌ی روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسل‌ها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آن‌ها را شاد کند و آن‌ها را آن‌چنان‌که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این؛ و شما هسته‌های

۱. بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۷/۲۲.

مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده‌ی کشور و آینده این تمدن و در واقع آینده‌ی جهان، شما جوان‌های امروزید. بخشی از مجموعه روبه‌رشد رویش‌ها در نظام جمهوری اسلامی در این بخش یعنی در دانشگاه امام حسین تحقق پیدا می‌کند. در هر جا هستید؛ چه آنهایی که در این دانشگاه‌ها و چه همه‌ی جوانها در هر نقطه‌ای از کشور که احساس تعهد می‌کنند، می‌توانند نقش آفرین باشند.^۱

انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را... همه‌ی انقلاب‌ها ریزش دارند، همه‌ی نهضت‌های اجتماعی ریزش دارند اما در کنار این ریزش‌ها رویش [هم] هست. من اطلاعات کم نیست، من از خیلی جاها مطلع‌م؛ بنده وقتی نگاه می‌کنم، رویش‌ها را بیش از ریزش‌ها می‌بینم؛ این همه جوان مؤمن، این همه تحصیل‌کرده‌ی مؤمن، این همه افراد تحلیلگر مؤمن، این همه افراد کارآمد در مسائل فنی و در مسائل علمی، همه مؤمن؛ اینها رویش‌های انقلاب است. یک روزی در این کشور، مشکل ما [این] بود که همه‌ی کسانی که می‌توانستند در دانشگاه‌های ما درس بدهند، به پنج هزار نفر نمی‌رسیدند. اول انقلاب این جوری بودیم؛ یک عده‌ای رفته بودند، یک عده‌ای نمی‌آمدند، یک عده‌ای صلاحیت نداشتند. [اما] امروز ما ده‌ها هزار نفر استاد مؤمن در عرصه‌ی کارهای دانشگاهی داریم؛ استادان مؤمن، آنهایی که واقعاً به انقلاب پایبندند و معتقدند از بُن دندان؛ این چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست، اینها را انقلاب تربیت کرده است. این همه جوان مؤمن نویسنده، هنرمند، عالم، فناور، مبلغ، سخنور؛ در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی در مسائل خارجی. اینها رویش‌های انقلابند، رویش‌های سرسبز و آماده؛ این خیلی باارزش است؛ بنابراین، اگر ما به

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۳/۲/۳۱.

وظایفمان در زمینه‌ی انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویش‌ها و انبوه شدن این رویش‌ها است.^۱

جوان مومن انقلابی، لوکوموتیو حرکت

برای اینکه ما بتوانیم به آینده‌ی مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوانِ باهمتِ پُرانگیزه‌ی مؤمنِ تلاشگرِ کاردانِ راه‌بلد داریم. یکی از شرایط اصلی اش مؤمن بودن و متقی بودن است؛ اینکه می‌گوییم تشکل‌های اسلامی و محیط‌های دانشجویی، معارف و معرفت اسلامی را در خودشان عمق ببخشند، برای این است که بتوانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند؛ و آلا نمی‌شود. این نکته و حرف اصلی ما با مجموعه‌های دانشجویی است.^۲ جوان یک کشور اگر بخواد مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد.^۳ کار مردم، الهام‌بخش اقدام مدیران و مسئولان است.^۴

بنابراین، انقلاب باید استمرار پیدا کند... که طبعاً این الزاماتی دارد؛ انقلابی حرکت کردن الزاماتی دارد... یک عواملی وجود دارد که به ما کمک می‌کند... قشرهای اثرگذار... و نیروهای جوان؛ یعنی مجموعه‌ی شماها که این نیروهای جوان، پیشرانند؛ اینها در واقع مثل لوکوموتیو هستند، نقش لوکوموتیو را [دارند] که وقتی حرکت کردند، به طور طبیعی به دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند؛ البته اگر به وظایفی که برعهده‌ی قشر جوان است، درست عمل بشود.^۵

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۰۷/۲۵.

۳. بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴.

۴. بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۱۳۸۹/۶/۳۱.

۵. بیانات در دیدار با دانشجویان ۱۳۹۷/۳/۷.

امام خامنه‌ای در بیانات دانشجویی سال ۱۳۹۷، ضمن توضیح چگونگی حرکت عمومی کشور، به حکومت به مثابه یکی از ابزارهای اصلی پیشرفت در انحصار مختلف اداره کشور اشاره و از قشرهای اثرگذار و نیروهای جوان نام بردند و نیروهای جوان را پیشران حرکت نامیدند.

«نیروهای جوان، پیشرانند؛ این‌ها در واقع مثل لوکوموتیو هستند، نقش لوکوموتیو را [دارند] که وقتی حرکت کردند، به طور طبیعی به دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند؛ البته اگر به وظایفی که برعهده‌ی قشر جوان است، درست عمل بشود».

در ادامه به سه عنصر اصلی و مورد نیاز حرکت جوانانه اشاره نموده و روحیه امید، عزم و اراده، برنامه‌ریزی و تدبیر به عنوان لوازم حرکت اشاره کردند.

این نیروهای جوان با ویژگی ایمان انقلابی هستند که می‌توانند به راه افتاده و سایر اقشار اثرگذار همچون قشرهای علمی، قشرهای اجتماعی اعم از دانشگاهی، اعم از حوزه‌ای، دانشمندان، هنرمندان را در راستای اهداف درست انقلابی به حرکت درآورند و حکومت را با مطالبه صحیح انقلابی در مسیر صحیح، هدایت و به راه بیاندازد.

حلقه میانی و فرآیند ورود جوانان به حرکت عمومی

ایشان در تکمیل جایگاه پیشرانی جوانان در دیدار دانشجویی سال ۹۸، با طرح سوالی فرآیند ورود جوانان به حرکت عمومی را توضیح می‌دهند و از حلقه میانی جهت حرکت پیشران جوان مومن انقلابی نام برده و آن را تعریف نمودند. حلقه میانی دسته‌ای از جریان‌ات، افراد و تشکل‌های مومن انقلابی عمدتاً جوان را تشکیل می‌دهند که نقش هدایتگری و راه‌انداز لشکر جوان انقلابی و آحاد نیروهای انقلاب به عنوان کنشگران انقلابی را دارا هستند. این دو دسته می‌توانند با تدبیر و انضباط کاری زمینه یک حرکت جامع عمومی را ایجاد نمایند:

خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح می‌شود و آن، این است که فرایند ورود جوانان مومن انقلابی به این حرکت عمومی چیست؟ نتیجه‌ی اینها چه می‌شود؟ ... سرانجام [اینها]، کشاندن نسل جوان متعهد به عرصه‌ی مدیریت کشور [است]. خب جوان چه جوری وارد عرصه‌ی مدیریت می‌شوند؟ ورود در عرصه‌ی مدیریت برای نسل جوان از این راه‌ها اتفاق می‌افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه‌ی مدیریت شد و مدیران ارشد نظام از جمله‌ی جوان‌های متعهد [شدند] - که من گفتم جوان‌های متعهد حزب‌اللهی، یعنی واقعاً باید حزب‌اللهی باشند؛ به معنای درست کلمه‌ی حزب‌اللهی - آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند، سرعت پیدا می‌کند و انجام می‌گیرد.

خودجوش و خودکاربودن حرکت جوانان

رهبری طراحی خودجوش و خودکار جوانان را حائز اهمیت دانسته و ویژگی‌های این حرکت عمومی را با حرکت ابتدای انقلاب مقایسه کردند و از جوانان خواستند که به صورت گروهی و با ترکیب نیروهای فکری و عملیاتی کار را جلو ببرند:

«آنچه ما از بچه‌های دانشجو، از شما جوان‌های عزیز که من خیلی به شماها واقعاً علاقه‌مندم، انتظار داریم این است که شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند؛ بخصوص جوان‌هایی که مثلاً مربوط به تشکل‌های گوناگون دانشجویی هستند. باید خودکار حرکت کنید، باید بچه‌هایی که اهل اندیشه هستند؛ بعضی‌ها هستند در اندیشه‌ورزی پیشرو هستند، بعضی‌ها در حرکت‌های اجرایی پیشرو هستند؛ هر کدام در هر قسمتی که توانایی‌اش را دارید بایستی خودجوش و خودکار باشید؛ مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت. خب، اگر باور می‌کنید ما هم یک وقتی هم سنّ شما بودیم، (۱۵) یک زمانی در همین دوره [بودیم]. اتفاقاً در این سنین دوران مبارزات بود. واقعاً آن روز ماها خودجوش حرکت می‌کردیم. نمی‌خواهم حالا من راجع به خودمان حرف بزنم اما یک واقعیتی

است. آن روز -در آن سال‌های مبارزه- کسی بالای سر ما نبود؛ نه حزبی بود، نه سازمانی بود، نه جمعیتی بود؛ [تنها] امام بزرگوار بود [آن هم] در نجف یا در ترکیه. گاهی اوقات یک پیامی از امام می‌آمد، یک اعلامیه‌ای می‌آمد، خونی در رگ‌های ما به جریان می‌انداخت و ما را هدایت می‌کرد. خب موانع هم زیاد بود؛ هم کتک بود، هم زندان بود، هم موانع پولی بود، هم گرسنگی کشیدن بود، از این چیزها هم بود اما در عین حال حرکت می‌کردیم، پیش می‌رفتیم. جوان‌ها امروز باید این جوری حرکت کنند؛ مثل مبارزات مبارزین دوران طاغوت».

بخش ششم: خودسازی انقلابی اولویت جوانان

در اندیشه اسلام ناب، ساخت درون بر اصلاح بیرون اولویت دارد؛ و بدون خودسازی اصلاح اجتماعی نیز به سرانجام درستی نمی‌رسد. لذا اولویت کاری برای همه نیروهای انقلاب توجه به ساخت درون از ابعاد مختلف است:

من به شما جوان‌ها عرض می‌کنم -چون فردا مال شما جوان‌ها است، این کشور مال شما جوان‌ها است- که جوان‌ها خودسازی کنند، خود را آماده کنند از لحاظ روحی، از لحاظ جسمی، از لحاظ علمی، از لحاظ توانایی‌های مدیریتی. کشور باید به دست جوان‌ها اداره بشود. از مشورت پیران، از تجربه‌ی پیران استفاده کنند اما جوان‌ها موتور پیشران کشور هستند.

جوان‌ها خودشان را آماده کنند -همان‌طور که عرض کردم، هم از لحاظ روحی و معنوی، هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ درس خواندن، هم از لحاظ جسمی، هم از لحاظ توانایی‌های مدیریتی، تشکیلاتی، انجمن‌ها- آینده‌ی این کشور مال شما است، باید بتوانید [آن را] اداره کنید. این کشور را می‌توانید سرِ قلّه

برسانید. خداوند ان شاء الله شماها را حفظ کند، به شماها توفیق بدهد تا این آمادگی را ان شاء الله در مرحله‌ی عمل با ثبات قدم - که خیلی مهم است - نشان بدهید.^۱

خودسازی علمی

حقیقتاً باید در محیط‌های دانشجویی، جستجوی دانش باشد. آدم می‌بیند در بعضی از محیط‌های دانشجویی، دانشجو به معنای واقعی، دانش جو نیست؛ یعنی در جست و جوی دانش نیست؛ یک چیز حفظی و سر هم بندی است؛ نگذارید این جور شود. حقیقتاً جوینده دانش باشید و دانش را فقط خواندن متن و فراگرفتن متون ندانید. دانشجو بایستی پرسشگر، متعمق، اشکال کننده به استاد، جستجوکننده از زوایا و گوشه کناره‌های بحث علمی بار بیاید.

سعی کنید آگاهی‌های اسلامی عمیق را در حوزه‌ی کاری خودتان گسترش بدهید. امروز خوشبختانه وسائل این کارها هم فراهم است. همین نوشته‌های شهید مطهری و نوشته‌های فضلا و علمای برجسته‌ای که امروز در قم و تهران و جاهای دیگر هستند، چیزهای خوبی است، معارف خوبی است، مطالب خوبی است؛ در آنها معنویت هست، عقلانیت هست، دقت هست، آینده‌نگری هست. ذهن خودتان را به این معارف تبدیل کنید و این را در محیط پیرامون خودتان گسترش بدهید.

به معارف واقعی اسلامی توصیه می‌کنم. تشکلهای دانشجویی، روی معارف اسلامی کار کنند. کتاب هم کم نداریم؛ کتاب خیلی داریم. یک روزی ما ناچار بودیم فقط به کتاب‌های شهید مطهری ارجاع بدهیم - البته آن کتاب‌ها باز هم همچنان در قلّه است و خیلی باارزش است - اما امروز غیر از آنها هم کتاب‌های زیادی داریم؛ [دانشجویان] می‌توانند شیوه‌ها و روش‌های مطالعاتی انتخاب بکنند، مطالعه کنند،

کار کنند، بحث کنند، جلسه‌ها بگذارند، به اصطلاح کنفرانس بگذارند، میزگرد بگذارند؛ یعنی سطح را [بالا ببرند]. یکی از الزامات این است.^۱

خودسازی جسمی

برای جوان‌ها ورزش کردن یک سرمایه‌اندوژی است. من اعتقاد دارم که ورزش یک فریضه عمومی است برای همه؛ البته منظورم ورزش حرفه‌ای نیست. ورزش حرفه‌ای را هم من رد نمی‌کنم اما توصیه نمی‌کنم که جوان‌ها همه بروند سراغ ورزش حرفه‌ای؛ نه ورزش برای حفظ سلامت، برای حفظ نشاط؛ این هم تا آخر عمر یا تا اواخر عمر سرمایه‌ای است که برای شما می‌ماند. تن‌پروری و بیکارگی، ضایع کردن آن سرمایه‌ی عظیم است.

مجموعه‌ی نسل حاضر ما در کنار پیشرفت‌های معنوی، پیشرفت‌های فکری و چیزهایی که انقلاب به ما هدیه داده است - که من اجمالاً عرض خواهم کرد - آمادگی‌های جسمانی خودشان را تأمین کنند. سلامت جسمی و توانایی جسمانی، برای مردانی که اهل معنا، اهل معنویت، اهل فکر و اهل اهداف والا هستند، چیز لازمی است و بسیار مفید و کمک‌کار آنهاست.

خودسازی اخلاقی - معنوی

«علیکم انفسکم»؛ آن نگاه اسلام به انسان در خطاب فردی را همیشه در نظر داشته باشید. خودتان را حفظ کنید؛ «علیکم انفسکم». جاده‌ای که انسان را به خدا و نورانیت می‌رساند، جاده‌ی ترک محرّمات و بجا آوردن واجبات است. واجبات را اهمیت بدهید، گناهان را پرهیز کنید؛ تهذیب یعنی این. چون دل‌های شما جوان

است، نورانی است، آلودگی بحمدالله در دل‌ها و روح‌های شما نیست، خدای متعال کمک خواهد کرد؛ تفضل خواهد کرد.^۱

خودسازی مدیریتی - تشکیلاتی

یکی از جوان‌های عزیز گفتند مثل اینکه نسل جدید اگر بخواهد مسئولیت را به عهده بگیرد، خودش باید وارد میدان شود. من اتفاقاً این را تصدیق می‌کنم، باید خودش وارد میدان شود؛ منتها وارد میدان شدنش به چه معناست؟ صلاحیت کسب کند؛ صلاحیت علمی، صلاحیت عملی، صلاحیت حضور در میدان. بعضی‌ها هستند کار علمی هم کرده‌اند، عالم هم هستند، دانشمند هم هستند، اما اهل دردسر ورود در میدان‌های عملیاتی نیستند؛ اما اگر کسی می‌خواهد واقعاً به مسئولیت‌های کشور دست پیدا کند و این را برای خودش مهم می‌داند، نه خدمت را - بالاخره خدمت، اعم از حضور در مسئولیت است؛ حضور در مسئولیت هم یک جور خدمت است؛ البته خدمت مؤثرتر و عمومی‌تر و بهتری است - خوب، این صلاحیت‌هایی لازم دارد؛ صلاحیت علمی هم لازم دارد، صلاحیت عملی هم لازم دارد، انگیزه ورود در میدان هم لازم دارد.^۲

بخش هفتم: راهکارهایی جهت پیشرانی جوانان در حرکت عمومی

حرکت عمومی با اولویت فتح دولت اسلامی که شامل همه قوای اداره‌کننده کشور می‌باشد و با پیشرانی لوکوموتیو جوانان مومن انقلابی، زمینه‌سازی تحقق هفت عرصه حرکت دولت‌سازی تا تمدن‌سازی را در پی داشته باشد، نیازمند راهکارهایی است که در کنار پیشبرد حرکت زمینه‌کارگزارسازی و تولید نرم افزارهای صحیح حکمرانی را در این عرصه‌ها در پی داشته باشد. ایشان در راستای ایجاد حرکت عمومی به

نمونه‌هایی از راهکارهای عملیاتی که باعث نقش محور بودن و پیشرانی جوانان مومن انقلابی در حرکت عمومی شده و اهداف مذکور را تامین نماید، اشاره می‌کنند:

تشکیل کارگروه‌های فرهنگی

این کاری که الان دارد انجام می‌گیرد؛ این الان وجود دارد. بنده با بسیاری از اینها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد - که در صحبت یکی از دوستان هم اتفاقاً همین بود - یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من چندی پیش گفتم، (۱۳) مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعال در زمینه‌های فرهنگی که اینها می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند. از اوّل انقلاب هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید - جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعال - که دست به کار فرهنگی می‌زنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئت‌عزاداری - همین طور که دوستان بیان کردند - این‌ها می‌توانند روی جوان‌ها تأثیر بگذارند، روی محله تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.^۱

تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی

البته منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمی‌کنم؛ اما کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار

اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند؛ یکی از کارها این است.^۱

تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها

بنده مکرر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام و توصیه کرده‌ام؛ و خوب خیلی پیشرفتی نداشته. چه کسی باید این را بکند؟ [اگر] منتظر باشید که رئیس دانشکده یا معاون فرهنگی یا مانند اینها بکنند، فایده‌ای ندارد؛ خودتان باید بکنید. در دانشگاه‌ها کرسی‌های آزاداندیشی را باید تشکیل بدهید؛ منتها همین طور که گفتم همه‌ی این حرکت‌ها باید منضبط باشد؛ با انضباط، با پیش‌بینی، با مطالعه‌ی خوب از سوی افرادی که صاحب ذهن فعال و زبان گویا هستند راه [ببافتند]؛ اینها حتماً کمک می‌کند، تأثیر می‌گذارد. الان مجموعه‌ی دانشجویانی که همراه با تشکله‌ها هستند، درصد بالایی از دانشجویهای کشور نیست. اگر چنانچه شما این کارها را بکنید، این درصد قطعاً رشد خواهد کرد. خوب دانشجویی که متعهد نباشد یا سرگرم کارهای بی‌ربط باشد، در پیشرفت کشور هیچ تأثیر مثبتی نمی‌گذارد اگر تأثیر منفی نگذارد. شما می‌توانید تأثیرگذاری کنید با همین [کار]. یکی از راهکارهایی که ذکر می‌شود، همین است.^۲

تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان

بعضی از مجموعه‌ها ... دعوت کردند از دانشجویهای فعال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستان‌های دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها می‌شود، کرد؛ یعنی فعال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام. ... مسائل غزه، مسائل فلسطین، مسئله یمن، مسئله

۱. ۱۳۹۸/۳/۱

۲. ۱۳۹۸/۳/۱

بحرین، مسائل مربوط به مسلمان‌های میانمار، مسائل مربوط به مسلمان‌های اروپا-یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط‌های فعال دانشجویی، مسلمان‌های اروپا ایند که خب داستانی است- مسئله حوادثی که در بعضی از کشورها [پیش آمده]؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی می‌تواند فعال بشود؛ این هم یکی از راهکارها است.^۱

تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی

یک راهکار دیگر همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و کار اقتصادی [است]. یک راهکار بسیار مهم دیگر کارهای خدماتی [است؛ یعنی] همین کارهای گروه‌های جهادی که می‌روند به این مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی است؛ هر چه این‌ها توسعه پیدا کند و تقویت بشود و جهت‌دارتر و هدف‌دارتر بشود، بهتر است؛ اینها تقویت جسم و روح و ایجاد آن حرکت عمومی است.^۲

فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی

خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطلاعاتی ما یا نمی‌توانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لابه‌لای کارها می‌ماند، گاهی به وسیله عناصر هوشیار و آگاه اطلاع‌رسانی می‌شود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی اطلاع‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطلاع‌رسانی] یک سوء استفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه واردات گوناگون؛ مثل همین‌هایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال اینها؛ مجموعه‌هایی می‌توانند در این زمینه‌ها فعال باشند.^۳

۱. ۱۳۹۸/۳/۱.

۲. ۱۳۹۸/۳/۱.

۳. ۱۳۹۸/۳/۱.

کارهای اجتماعی

از این قبیل پنجاه تا راهکار می شود پیدا کرد. فعالیت های اجتماعی، مثل همین کارهایی که گفتم در زمینه ی هفت تپه (۱۴) و مانند اینها که بچه های دانشجو انجام دادند، کارهای بسیار خوبی است. کارگروه هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند اما بایستی هدایت بشوند، باید برنامه ریزی بشود. همه این کارها باید به وسیله جوانها برنامه ریزی بشود. البته همه ی اینها هم ... با الهام گیری از آن جهت گیری کلی ... در جهت رسیدن به جامعه ی اسلامی و تمدن اسلامی است. در همه این کارها، آن برنامه ریزان، آن مراکز برنامه ریزی و هدایت - که گفتیم حلقه های میانی باید آن را انجام بدهند - باید به آن جهت گیری توجه داشته باشند.^۱

بخش هشتم: فتح دولت؛ اولویت اساسی جوانان

نتیجه اینها چه می شود؟ اینجا من این جور یادداشت کرده ام که سرانجام [اینها]، کشاندن نسل جوان متعهد به عرصه مدیریت کشور [است] که یکی از دوستان گله می کردند که جوانها را به عرصه مدیریت راه نمی دهند. خب چه جوری وارد عرصه مدیریت می شوند؟ ورود در عرصه مدیریت برای نسل جوان از این راهها اتفاق می افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه مدیریت شد و مدیران ارشد نظام از جمله جوانهای متعهد [شدند] - که من گفتم جوانهای متعهد حزب الهی، یعنی واقعاً باید حزب الهی باشند؛ به معنای درست کلمه حزب الهی - آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می کند، سرعت پیدا می کند و انجام می گیرد. پس بنابراین این سؤال که جوان چگونه می تواند وارد میدان این حرکت عمومی بشود، به نظر من پاسخهای روشنی دارد که من یک مقداری از آنها را گفتم.

اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوان‌ها با این حرکت‌ها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصه‌های شما پایان خواهد پذیرفت.^۱

انتخاب صحیح؛ راه‌گذار به سوی دولت‌سازی

تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آن‌ها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده‌ی مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه‌ی خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد.^۲

مردم بایستی هوشمندانه و آگاهانه انتخاب کنند.^۳ توصیه من به مردم، چه در این انتخابات و چه در انتخابات‌های دیگر، همیشه این بوده و هست که سعی کنند به معنای حقیقی کلمه‌گزینش کنند؛ یعنی کسانی را که مورد اعتمادشان هستند و کسانی را که می‌دانند در صورت انتخاب شدن، وظایف نمایندگی‌شان را به درستی انجام خواهند داد، بشناسند و با رأی خود، آنها را به مناصبی که این انتخابات برای آن

۱. ۱۳۹۸/۳/۱

۲. بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴.

۳. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۴/۰۱/۰۱.

مناصب به وجود می‌آید منصوب کنند؛ چه در انتخابات مجلس، چه در انتخابات شوراها و چه در همه انتخاب‌ها.^۱

ممکن است در دوران انتخابات، گوشه و کنار برای منحرف کردن افکار و آراء و برای بد جلوه دادن حقایق و برای کشاندن انتخابات در مجراهای رایج بین غربی‌ها کارهای تبلیغاتی و بعضی وسوسه‌ها انجام بگیرد؛ این‌ها نباید باشد؛ یعنی مردم واقعاً آگاهانه فکر کنند، انتخاب کنند و انتخاب خودشان را اعلام نمایند؛ این می‌شود آن شکل صحیح اسلامی که هر کسی آگاهانه به نحوی با نظام اسلامی بیعت می‌کند. وقتی که انتخابات به شکل صحیحی انجام بگیرد، حقیقتاً بیعت مجددی است که آن شخص دارد انجام می‌دهد؛ و این چیز بسیار مهم و خوبی است.^۲

من عرض می‌کنم که به عنوان وظیفه‌ی اولی، به عنوان وظیفه‌ی ثانوی، به عنوان وظیفه‌ی دینی و اسلامی و به عنوان وظیفه‌ی سیاسی، شرکت آحاد مردم در انتخابات واجب است. مردم وظیفه دارند در انتخابات شرکت کنند و نامزدهای صحیح را پیدا و آنها را انتخاب نمایند. مردم وظیفه دارند به ملاک‌های دینی و شرعی و انقلابی نگاه کنند؛ به روابط قوم و خویشی و ایل و طایفه‌ای و این‌طور چیزها نگاه نکنند. بینند واقعاً چه کسی با معیارهای الهی و انقلابی، مناسبتر و به آن نزدیکتر است، او را برگزینند و با شور و شوق به عنوان یک وظیفه در این کار دخالت کنند.^۳ مردم باید کسانی را انتخاب کنند که به کانون‌های ثروت و قدرت متصل نباشند.^۴

۱. بیانات در محل رای گیری دومین دوره انتخابات شوراها در منطقه کنارک سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۰۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۰/۱۰/۲۵.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۱/۰۷/۰۷.

۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰.

آن بخش انتخاب مردم، یکی از دو بخش مردم‌سالاری دینی است که البته آن هست. مردم بایستی بخواهند، بشناسند، تصمیم بگیرند و انتخاب کنند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجز شود. بدون شناختن و دانستن و خواستن، تکلیفی نخواهند داشت.^۱

نظارت دائم و مستمر

اگر امروز، دولت یا یکی از مسئولان بخواهد حرکتی را انجام بدهد که مردم آن را نپسندند، می‌توانند جلوی او را بگیرند. همه جا مردم حضور دارند. این، خصوصیت انقلاب ماست.^۲

امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به عنوان مسئولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است. باید از شیوه‌ها و وسایل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند... قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است. این‌هاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد... اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تروتازه و با طراوت و شاداب می‌ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۸/۱۱/۲۰.

طرف، هرکسی هست بنده که طلبه‌ی حقیری هستم از بنده مهم‌تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.^۱

مردم احساس می‌کنند که بر سرنوشت خود در مدیریت کشور و در برنامه‌های کلان کشور... تصمیم می‌گیرند و نظارت می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این مردم‌سالاری دینی است. یکی از خصوصیات این مردم‌سالاری این است که رابطه‌ی مردم و مسئولان به صرف رابطه‌ی قانونی منحصر نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن، رابطه‌ی عاطفی و ایمانی است که ناشی از اعتقادات مردم، بینش دینی مردم و تعهد مردم به مبانی و اصول انقلاب است. این چیزی است که در دنیا ما نظیری برایش نمی‌شناسیم که رابطه‌ی مردم با مسئولین، یک چنین رابطه‌ی مستحکم عاطفی و ایمانی و نشانه پایبندی به مبانی باشد؛ و همین است که مسئولین را هدایت می‌کند.

به مسئولین عرض می‌کنم که این حضور مردمی در بیست‌ودوم بهمن را به حساب گلایه نداشتن آنها از فعالیت‌های ما مسئولین به حساب نیاورید. مردم گله‌مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور می‌گذرد، مردم گله‌مندند. مردم با تبعیض میانه‌ای ندارند؛ هر جا تبعیض بینند، احساس ناراحتی و رنج می‌کنند. هر جا کم‌کاری بینند همین جور، هر جا بی‌اعتنایی به مشکلات بینند همین جور، هر جا پیش رفتن کارها را بینند همین جور؛ مردم گله‌مندند. بیست‌ودوم بهمن حساب خودش را دارد؛ ایستادگی مردم در مقابل دشمن کمین‌کرده‌ی برای بلعیدن ایران یک حرف است که این در بیست‌ودوم بهمن ظاهر شد، اما توقعات آنها از ما مسئولین یک حرف دیگر است.^۲

مردم چه کسانی هستند؟ مردم همان کسانی هستند که حماسه بیست‌ودوم بهمن را به وجود می‌آورند؛ مردم اینها هستند. اگر می‌خواهید حرف مردم را بفهمید، گوش کنید ببینید اینها چه می‌گویند. مردم آن کسانی هستند که بعد از آنکه یک تعدادی

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۵/۱۱/۲۷.

اغتشاشگر وارد میدان می‌شوند، اگر هم اعتراضی داشتند، بمجرّدی که می‌بینند شعار اغتشاشگر را، خودشان را کنار می‌کشند. بعد در روز نهم دی می‌آیند در میدان شعار خودشان را می‌دهند. مردم اینها هستند؛ اشتباهی نگیرند مردم را. مردم را با شعارهایشان، با حرفهایشان بشناسند و برای مردم کار کنند؛ مُخْلِصاً لِلّٰهِ و لِرِجَالِهِ الْكَرِيمِ؛ برای مردم بودن با برای خدا بودن هیچ منافاتی ندارد. این جوری نیست که می‌گوییم برای مردم کار کنند، یعنی برای خدا نباشد؛ نه خدا گفته است که برای مردم باید کار کنید. خدا از ما مسئولین خواسته است که در خدمت مردم باشیم، خادم مردم باشیم، برای مردم کار بکنیم. حرف مردم را باید [گوش کرد]؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل می‌کنند، البتّه فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت می‌کنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولین - چه مسئولین قوه‌ی مجریّه، چه مسئولین قوه‌ی قضائیه، چه مسئولین قوه‌ی مقننه - به طور جد دنبال کنند.

مردم سالاری تخصصی و مشارکت مردم در همه عرصه‌ها

انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقّق آرمان‌هایی انقلاب کردند.^۱ امام راحل بزرگوار ما، بزرگترین حق را از این ناحیه به گردن امت اسلامی دارد که آحاد مردم را به مسئولیت خودشان که دخالت در امر حکومت است، متنبّه و واقف کرد. از این روست که در نظام اسلامی، هرکس متدین به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت دارای مسئولیت است. هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از موضوع حکومت کنار بکشد. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید: «کاری انجام می‌گیرد؛ به من چه؟!» در موضوع حکومت و مسائل سیاسی و مسائل عمومی جامعه در نظام اسلامی، «به من چه» نداریم! مردم برکنار نیستند.^۲

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۱۳۷۵/۰۲/۱۸.

همه باید احساس کنند که نسبت به سرنوشت جامعه تکلیف دارند؛ آن تکلیف را جستجو و پیدا کنند. در کار شخصی خود- چه کار فرهنگی، چه کار اداری، چه کار تجاری، چه کار فنی، چه کارهای بزرگ و چه کارهای کوچک- باید احساس همه مردم این باشد که این خانه، بایستی به دست صاحبان خانه- یعنی آحاد مردم- ساخته بشود و دولت هم مدیر و سرپرست این خانه است که باید برنامه‌ریزی بکند و کار هرکس و وظیفه‌ی هر مجموعه و قشری را معلوم بکند تا مردم بدانند تکلیفشان چیست و انجام بدهند.^۱

اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی می‌شد به‌خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار می‌داد- و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است- که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی. این را توجه کنند: امام از اول پشتیبان ارتش بود. کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به‌وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به‌وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه‌ی به مردم که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه‌ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۸/۰۷/۲۸.

۲. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) در حرم مطهر امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.

تقریباً در همه‌ی نظام‌های حکومتی در دنیا، از مردم صحبت می‌شود و هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف مصلحت مردم کار کنم. حتی در رژیم‌های استبدادی سلطنتی موروثی، هیچ‌کس نمی‌گوید که من می‌خواهم برخلاف میل مردم عمل کنم؛ بنابراین ادعای مردم‌گرایی وجود دارد؛ اما مهم این است که حقیقتاً در کجا برای مردم شأن و منزلت و حق و نقش قائل می‌شوند. وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد.^۱

کار دست مردم، صحنه دست مردم، ابتکار عمل دست مردم؛ این هنر امام بود؛ این هنر امام بزرگوار بود؛ صحنه را داد دست صاحبان کار؛ چون کشور صاحب دارد. در دوران طاغوت می‌گفتند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ شاه؛ درحالی‌که او یک انگل و سربار و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردمند؛ بله کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد- که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند- آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً یا متوقف یا کند [شده]؛ اگر متوقف نمانده است، کند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند. این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم

۱. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۰.

که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند- [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آنها نه- هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت. ... مردم این جورند؛ هر جا صحنه به مردم سپرده شد، انگیزه‌های مردمی، نیروهای متنوع و متکثر مردمی، کارها را پیش خواهد برد. ... این یک قاعده‌ی کلی است. در هر مسئله‌ای از مسائل خرد و کلان کشور که ما حضور مردمی را داشتیم، این معجزه را مشاهده کردیم.^۱

به مردم عزیزمان هم دو سه جمله عرض بکنم -البته همه این حرف‌ها خطاب به مردم هم بود- به مردم عرض می‌کنم که خدا از شما راضی باشد؛ خوب عمل کردید؛ خوب عمل کردید. در طول این سال‌ها هر جا کشور نیاز داشت، شماها وارد شدید؛ بی‌منت، بی‌توقع، با بصیرت وارد میدان شدید. ملت عزیز ما خیلی خوب عمل کرد. خداوند ان‌شاءالله توفیقاتش را، رحمتش را، فضلش را بر این ملت نازل کند. سینه سپر کردید، این کشور را شما نجات دادید؛ ملت ایران نجات داد. هم در قضایای دفاع مقدس که ملت نجات داد، هم در قضایای سیاسی، هم در قضایای علمی. علم را [هم] جوان‌های شما پیش بردند. در این دستگاه‌هایی که پیشرفت علمی هست، بیشتر این جوان‌های مردمند، [یعنی] همه آنها جوان‌های مردمند، بچه‌های شما هستند که دارند کار علمی می‌کنند. حضور شما به کشور آبرو داده است. هر جا حضور مردم لازم است - حالا چه بیست و دوّم بهمن، چه روز قدس، چه در قضایایی مثل نهم دی و امثال اینها- مردم حاضر می‌شوند. در انتخابات، در راه‌پیمایی‌ها، در

۱. بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالگرد قیام ۲۹ بهمن، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.

هرجا که حضور مردمی لازم بوده است، حضور مردم توانسته است [تأثیر بگذارد]؛ آبروی کشور را شما حفظ کردید.^۱

بخش نهم: شیوه‌ها و راهکارهای به‌صحنه آوردن مردم

گفتمان‌سازی و آگاه‌سازی مردم

[یک] عرصه... در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم. خود امام در سنین بالای عمر - با حال پیرمردی - از هر فرصتی استفاده کرد برای اینکه حقایق را برای مردم بیان کند. در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته‌ی به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به‌طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آن‌ها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی می‌کند آن‌ها را مکتوم نگه دارد، آشنا کنند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.^۲

سازمان صدا و سیما با مأموریت خطیر «هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه» به‌مثابه دانشگاه عمومی، با تکیه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای پیشرفته و عمیق رسانه‌ای، وظیفه گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد. مسئولیت تاریخی رسانه ملی در مقطع کنونی، حفظ و ارتقای استقلال فرهنگی و هویت انقلاب ایران اسلامی است. «عزم ملی و ابتهاج معنوی و نشاط انقلابی» آحاد جامعه در مسیر

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۶/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴.

اهداف بلند نظام اسلامی، در گرو آگاهی و معرفت عمیق و گسترده‌ی عمومی و نیازمند پیوند با سرچشمه‌های تولید فکر ناب دینی و خیل دل‌بستگان فرهیخته و پراکنده‌ی انقلاب اسلامی است. سازمان صدا و سیما همچنین به عنوان موتور محرک و مشوق پیشرفت کشور، وظیفه پشتیبانی رسانه‌ای همه جانبه و مبتکرانه در امر بسیج عمومی ملت و نیز کمک به مدیریت‌های اجرایی در جهت تأمین اهداف و اجرای سیاست‌های کلان نظام و تحقق سند چشم انداز کشور را بر دوش دارد.^۱

یکی از مهمترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضا سازی می کنید، گفتمان سازی می کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس جمهور هم همان جور فکر می کند، وزیر هم همان جور فکر می کند، مدیرکل هم همان جور فکر می کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می کنند؛ این خوب است؛ و شما این کار را انجام می دهید. فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار- با کم و زیادش- تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگویید؛ این می شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می کنند، همه در آن فضا جهت گیری پیدا می کنند، همه در آن فضا کار می کنند؛ این همان چیزی است که شما می خواهید.^۲

شناسایی و معرفی نیرو به مردم

باید مردم را در انتخاب درست کمک کنید. مبادا کسی از روحانیون احساس کند که در این مسائل، وظیفه و تکلیفی ندارد و بگوید مردم خودشان بروند هر کاری که می خواهند، بکنند! البته راجع به همه روحانیون نمی خواهیم بگوییم. کسان خاصی هستند که به طور استثنایی از این موضوع خارجند؛ اما شما علما می توانید به مردم کمک کنید. مردم هم در این قضایا، بیش از همه به علما اعتماد می کنند؛ حتی

۱. انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صدا و سیما، ۱۳۹۳/۰۸/۱۷.

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳.

کسانی که ممکن است سرو کاری هم با علما نداشته باشند. بالاخره انسان برای امور زندگی خودش، به شخصِ امین اتکا می‌کند. اگر کسی خودش هم حتی خیلی امانت نداشته باشد، اما برای حفظ پول و مال خود، به شخصِ امین مراجعه می‌کند. مردم، علما را امین خودشان می‌دانند. اگر در این زمینه، علما به مردم کمک کنند، این مرجع قابل قبولی برای آنان است.^۱

عدم دخالت خطرناک است؛ دخالتِ بدون حجت هم خطرناک است. پیش خودتان و خدا، حجت پیدا کنید. مردم را در این امر آگاه کنید. مردم هم به شما اعتماد می‌کنند، باید هم اعتماد بکنند؛ امین مردم هستید و باشید. کاری کنید که مردم بتوانند با رأی بالایی، یک شخص لایق و مدیر و متعبد و متدین و مجرب در امور اداره کشور انتخاب کنند. البته دست شما هم به کسی غیر از آن کسانی که شورای نگهبان آنها را ارائه خواهد داد، نمی‌رسد. در بین همانها باید کسی را انتخاب کنید. در بین آنها بگردید و بهترین را — که با معیارهای صحیح تطبیق کند — پیدا کنید و به مردم معرفی نمایید.^۲

بخش دهم: شیوه‌ها و چگونگی همراه سازی دولت

ارائه الگوی نظری و عملی

مطالبه‌گری

اگر محیط دانشجویی، اعتقاد راسخی به یک مطلبی پیدا کرد و آن را دنبال کرد در فعالیت‌های متنوع دانشجویی، این تأثیرگذار در آینده‌ی کشور است. این تصوّر درست نیست که فکر کنیم چه فایده‌ای دارد ما به‌عنوان دانشجوی این فعالیت را بکنیم یا این تلاش را انجام بدهیم؟ چه تأثیری در واقعیت‌های کشور می‌گذارد؟ نه تأثیر دارد؛

۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳.

تأثیر زیادی هم دارد. سازوکار تأثیرگذاری اش هم همین است که عرض کردم؛ این تبدیل می شود به گفتمان، اول در محیط دانشجویی، بعد بتدریج در محیط کشور و این تبدیل می شود به یک عنصر تصمیم ساز. بله شما ممکن است در فلان تشکیلات، تصمیم گیر نباشید اما می توانید تصمیم ساز باشید. دانشجو تصمیم ساز است؛ دانشجو گفتمان ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می کنید، می گوید، تکرار می کنید و بجد پای آن می ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می کند، این موجب تصمیم سازی می شود.^۱

همکاری عملی و هم افزایی

رؤسای سه قوه، مسئولین گوناگون، بخش های مختلف، بایستی پشتیبان هم باشند. معنای این [حرف]، این نیست که در همه مسائل هم نظر باشند؛ نه ممکن است نظرات مخالفی هم داشته باشند، اما اولاً بایستی در عمل به یکدیگر کمک کنند - بخصوص حالا چون دولت وسط میدان است و همان طور که قبلاً گفتیم کارهای عمده مربوط به او است، بخصوص به قوه مجریه همه باید کمک کنند- و هم اختلاف نظرها را رسانه ای نکنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ساختار بیانیه با تاکید بر چهار عظمت؛ عظمت حادثه‌ی انقلاب، راه‌طی‌شده، چشم‌انداز پیش‌رو و نقش نیروی جوان متعهد؛ مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. گزاره‌های کلیدی هر بخش، احصا و در ضمن فصول چهارگانه مورد دقت و بررسی شد. نگاه کلان به بیانیه می‌رساند که هدف اصلی بیانیه از توجه به حادثه انقلاب و مسیر طی‌شده و توجه به تجربیات، دستاوردها و ظرفیت‌های اکنون، تعریف درست مسیر پیش‌روی دولت‌سازی برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی است که در ۷ بعد کلان: دانش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت، استقلال و آزادی، روابط خارجی اسلامی و سبک زندگی؛ و همراه با راهبردهای کلان طرح گردید.

در این پژوهش از ضرورت ایجاد حرکت عمومی و مردم‌پایه جهت پیش‌روی به سمت فتح دولت اسلامی و سپس جامعه و تمدن اسلامی اشاره و از جایگاه محوری لوکوموتیو جوان مومن حزب اللهی به عنوان پیشران بحث شد. این لشکر جوانان به هسته‌ای به نام حلقه میانی متکی است که نقش هدایتگری عملیات را برعهده دارند که غالباً از تشکل‌ها و جوانان می‌باشند. این حرکت عمومی در ایستگاه اول؛ هدف کنار زدن دیوان‌سالاری فرسوده و بازسازی دولت بر اساس دولت جوان حزب اللهی را دنبال می‌نماید. در این مسیر برای ایجاد حرکت عمومی و نقش پیشرانی با هدف اولی فتح دولت، راهکارهایی را بایستی دنبال کرد که ضمن پیشبرد حرکت، به کارگزار سازی و نرم‌افزارها و الگوهای نظری و عملی اداره کشور نیز منجر شود. اصل حرکت عمومی تا تحقق تمدن نوین اسلامی حرکتی است که دولت و ملت را به تمامی به کار می‌گیرد. آغاز حرکت عمومی از برگزیدگان ملت و حلقه میانی و جوانان است که به جوششی عمومی تبدیل می‌شود. این فعال شدن عامه مردم در راستای اهداف این

حرکت، در مرحله دولت سازی، دولت جوان حزب الهی را محقق و در ادامه با خدمت دولت در راستای اهداف ملت و پشتیبانی ملت به سمت نقطه تمدنی حرکت می نماید.



فهرست منابع و مآخذ

۱. جهان بزرگی، احد، درآمدی بر نظریه دولت اسلامی.
۲. ترابی، یوسف، مهدی پیروز فر، دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری.
۳. مه‌ری، کریم، دولت اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری روش نظریه پردازي داده بنیاد.
۴. طاهری خسروشاهی، محمد حسین، بایسته‌های الگوی مردم سالاری دینی در دولت‌سازی.
۵. بیشه، مجید، شایستگی کارگزاران تراز دولت اسلامی ایران با رویکرد تمدن نوین اسلامی.
۶. حسین پور، داود، مولفه‌های تدوین خط مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن نوین اسلامی.
۷. کشفی، سید احمد، هدف و غایت حرکت انقلاب اسلامی و اهمیت شکل‌گیری دولت اسلامی با توجه به اندیشه مقام معظم رهبری.
۸. خداپرست، یونس، مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام‌خامنه‌ای.
۹. جاویدی، رقیه، شاخص‌های کارآمدی دولت در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی.
۱۰. نوری، عباس، ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله‌خامنه‌ای.
۱۱. ملایی، رسول، دولت اسلامی و سنجش و میزان تاثیر آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری.

